

اداره امور عمومی و اشتغال در شهرستان زاهدان: بررسی مزیت فعالیت‌های اقتصادی و اثر آن بر اشتغال

دکتر رمضان حسین زاده*

چکیده

اشتغال یکی از متغیرهای مهم و مورد توجه اداره امور عمومی و سیاستگذاران در سطح ملی، منطقه‌ای و شهری می‌باشد. از این رو هدف این مطالعه بررسی تغییرات اشتغال در شهرستان زاهدان در دوره سرشماری ۱۳۸۵-۱۳۹۰ و اثر تغییرات مزیت رقابتی و تغییرات ساختاری بر میزان اشتغال در فعالیت‌های مختلف شهرستان در این دوره می‌باشد. روش تحقیق در این مطالعه روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد و مدل‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای نسبت مکانی و الگوی انتقال سهم برای تحلیل به کار گرفته شده است. نتایج الگوی ضرایب مکانی نشان داده است که بخش‌هایی مانند "امور عمومی و دفاع"، "حمل و نقل انبارداری و ارتباطات" و "آموزش" جزء بخش‌های مزیت‌دار در اقتصاد شهرستان بوده‌اند. نتایج الگوی انتقال سهم نشان داده است که اثر تغییرات رقابتی در سه بخش "آموزش"، "بهداشت" و "خدمات کسب و کار و مستغلات" مثبت بوده و موجب افزایش اشتغال این بخش‌ها شده است.

واژه‌های کلیدی: مزیت رقابتی، اشتغال، شهرستان زاهدان، الگوی انتقال سهم

مقدمه

استان‌ها و مناطق مختلف کشور دارای پتانسیل‌های تولیدی و اشتغال‌زایی متفاوتی هستند. این امر ممکن است دلایل متعددی از قبیل شرایط خاص آب و هوایی و برخورداری منطقه از منابع طبیعی خاص داشته باشد. به همین دلیل ممکن است هر یک از مناطق و شهرستان‌های کشور در فعالیت یا فعالیت‌های به خصوصی دارای مزیت نسبی باشند. از این رو، شناسایی فعالیت‌هایی که در یک منطقه دارای مزیت هستند در جهت شناخت و اتخاذ استراتژی‌های مناسب رشد و توسعه اقتصادی در منطقه حائز اهمیت است (farhoodi &

* استادیار دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

ra.hosseinzadeh@eco.usb.ac.ir

(Mohammadi, 2006). بر این اساس برنامه‌ریزان منطقه‌ای و محلی باید نقاط قوت و ضعف اقتصاد را شناسایی کنند. برنامه‌ریزان رشد و توسعه اقتصادی بایستی از نحوه و دلایل رونق و رکود فعالیت‌های مختلف در اقتصاد محلی و منطقه‌ای آگاه باشند تا بتوانند تصمیمات درستی در جهت رفع مشکلات محلی و منطقه‌ای اتخاذ کنند (Teymuri & Hakimi, 2016). در بین متغیرهای اقتصادی، اشتغال از جمله متغیرهایی است که اهمیت بالایی را در رشد و توسعه اقتصادی در منطقه دارد. این متغیر از سیاست‌های مختلف رشد و توسعه تأثیر می‌پذیرد. همچنین در دوره کنونی، اشتغال مهمترین مسئله مورد توجه سیاستگذاران در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی است و تمام تلاش برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران در کشور در جهت حل این معضل بیکاری می‌باشد.

یکی از اهداف اساسی از مطالعه اقتصادی ساختار و ترکیب اشتغال در اقتصاد منطقه، اقتصاد شهری و اقتصاد محلی، ارزیابی وضعیت فعلی این متغیرهاست تا از این طریق بتوان زمینه رشد و توسعه اقتصاد منطقه را پیش‌بینی و الزامات آن را فراهم آورد. متأسفانه در نظام برنامه ریزی شهری در ایران به علت نبود برنامه‌ریزی‌های فضایی و عدم وجود سیستم مدیریت یکپارچه شهری، نقش شهرها در رشد و توسعه منطقه‌ای و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای نادیده گرفته شده است (Safaei, 2003). همچنین در طرح‌های شهری تعیین مزیت‌های رقابتی شهرها جهت برنامه‌ریزی برای توسعه اقتصادی شهرها چندان مورد توجه قرار نگرفته است (Hatami neghad & Hosseini, 2013). از این رو هدف مطالعه حاضر، مزیت نسبی اشتغال و تغییرات اشتغال بر اساس الگوی تغییر سهم و ضریب مکانی در فعالیت‌های مختلف شهرستان زاهدان در استان سیستان و بلوچستان مورد بررسی قرار می‌گیرد. از آنجایی که اطلاعات اشتغال به تفکیک فعالیت‌های مختلف در سطح شهرستان‌ها در سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ در دسترس نیست، بر این اساس دوره زمانی این تحقیق دوره ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ انتخاب شده است. ویژگی مهم این پژوهش نسبت به پژوهش‌های مشابه قبلی این است که این مطالعه، ضمن استفاده از روش تغییر سهم و ضریب مکانی برای نخستین بار در سطح شهرستان زاهدان، تغییر سهم و ضرایب مکانی اشتغال را در فعالیت‌های مختلف این شهرستان مورد بررسی قرار می‌دهد.

مروری بر مطالعات پیشین

مطالعات متعددی در ارتباط با اثر تغییرات عوامل مختلف از جمله تغییرات مزیت رقابتی بخش‌ها بر وضعیت اشتغال بخش‌ها در اقتصاد انجام شده است که در زیر به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

فروهودی و محمدی (۲۰۰۶) در مطالعه خود به بررسی و پیش بینی اشتغال در شهر سنندج در دو دوره ۱۳۵۵-۱۳۶۵ و ۱۳۶۵-۱۳۷۵ با استفاده از مدل تغییر سهم پرداخته‌اند. نتیجه مطالعه نشان داده است که در دوره اول بخش کشاورزی این شهرستان برنده مختلط اقتصادی بوده ولی در دوره دوم بازنده خالص اقتصادی بوده است.

زاکومر^۱ (۲۰۰۶) در مطالعه خود به بررسی مزیت نسبی فعالیت‌های صنعتی در استان-های مختلف ایتالیا در دوره ۲۰۰۰-۲۰۰۴ با استفاده از الگوی انتقال سهم پرداخته است. نتایج مطالعه وی نشان داده است که صنعت "چوب و محصولات چوبی"، صنعت "مبلمان و اثاثیه" دارای مزیت نسبی در مناطق مختلف بوده و اثر مثبتی نیز از تغییرات رقابتی داشته‌اند.

مظهری و رحمانی (۲۰۰۹) با استفاده از روش تحلیل تغییر سهم آن دسته از محصولات مختلف زراعی و باغی که استان خراسان شمالی در دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۷۴ در زمینه تولید آنها دارای مزیت رقابتی است، مشخص کرده‌اند. نتایج به دست آمده نشان داده است که استان خراسان شمالی در تولید محصولاتی مانند پیاز، خربزه، گوجه فرنگی و انگور دارای مزیت رقابتی است.

موندال^۲ (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای با عنوان پتانسیل‌های توسعه صنعتی در اقتصاد مالزی به بررسی رشد اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصاد با استفاده از الگوی انتقال سهم در این کشور در دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۰۵ پرداخته است. نتایج مطالعه وی نشان داده است که اثر سهم ملی در همه ۱۱ بخش مورد بررسی مثبت بوده و موجب افزایش اشتغال شده است. همچنین اثر تغییر ساختاری موجب افزایش اشتغال در ۵ بخش از ۱۱ بخش شده و در دیگر بخش‌ها موجب کاهش اشتغال شده است. بخش‌هایی مانند بخش کشاورزی و معدن بیشترین اثر منفی را در اثر تغییرات ساختاری داشته‌اند.

1- Zaccomer

2 -Mondal

لایقی و همکاران (۲۰۱۲) شاخص مزیت نسبی تولید و اشتغال بخش کشاورزی را در استان زنجان و سایر استان‌های کشور مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج مطالعه نشان داده است که استان زنجان در مزیت نسبی اشتغال در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۹۰ به ترتیب رتبه‌های هفتم و چهارم را بین استان‌های کشور داشته است. اشتغال بخش کشاورزی با داشتن مزیت نسبی بین استان‌های کشور جزء فعالیت‌های پایه استان‌ها محسوب می‌شود.

حاتمی‌نژاد و حسینی (۲۰۱۳) در مطالعه خود به تحلیل تغییرات اشتغال در شهر سبزوار با استفاده از مدل‌های طولی و عرضی ایزارد، ضریب مکانی و تغییر سهم در طی سال‌های سرشماری ۱۳۷۵-۱۳۸۵ پرداخته‌اند. نتایج مطالعه نشان داده است که شهرستان سبزوار در بخش کشاورزی دارای مزیت نسبی می‌باشد. همچنین پیش بینی شده است که در بخش کشاورزی رشد منفی اشتغال و در بخش خدمات رشد مثبت اشتغال تا سال ۱۳۹۵ ایجاد شود.

حاجی‌نژاد و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه خود به بررسی وضعیت اشتغال و شناسایی مزیت نسبی شهرستان بیرجند با استفاده از مدل تغییر سهم و ضریب مکانی، به تحلیل گروه‌های عمده فعالیت در مقاطع ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ پرداخته‌اند. نتایج مطالعه نشان داده است که زیربخش‌های معدن، تامین آب برق و گاز، ساختمان، خدمات مالی و بیمه، آموزش و امور عمومی و دفاع نقش موثری در رشد اشتغال در بیرجند داشته‌اند.

تیموری و حکیمی (۲۰۱۶) در مطالعه خود تغییرات اشتغال را در بخش‌های مختلف اقتصادی در سطح شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی با بهره‌گیری از روش تغییر سهم در محدوده زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بررسی و تحلیل کرده‌اند. بر اساس نتایج، بخش صنعت، فعالیت‌های مربوط به خدمات مالی، املاک و مستغلات جزء پویاترین بخش‌ها با رشد مثبت اشتغال بوده‌اند.

پرز و ویلاریل^۱ (۲۰۱۷) به بررسی اثر تغییرات ساختاری بر رشد بهره‌وری در صنایع مختلف کشور مکزیک در دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۰۴ با استفاده از الگوی انتقال سهم پرداخته است. نتایج مطالعه ایشان نشان داده است که سهم بخش‌هایی مانند خدمات تجاری، خدمات اطلاعات و ارتباطات و تجهیزات حمل و نقل در اقتصاد این کشور افزایش یافته است. از سوی دیگر تغییرات ساختاری موجب افزایش بهره‌وری کل اقتصاد شده است.

مطالعات متعدد دیگری از روش انتقال سهم برای بررسی تغییرات اشتغال و سایر متغیرها استفاده کرده‌اند. به عنوان مثال داگرو و تورک^۱ (۲۰۱۷) برای بررسی اثر توریسم بر اشتغال در منطقه کارولینای شمالی، گروسی و موسینی^۲ (۲۰۱۸) برای تجزیه تغییرات مصرف برق در بخش‌های اقتصادی در استان‌های کشور ایتالیا، کوردوبا و ریبولیدو (۲۰۱۶) برای تغییرات بهره‌وری در شهر مکزیکو از این روش استفاده کرده‌اند.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع توصیفی تحلیلی بوده و جهت گردآوری اطلاعات و داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از شیوه اسنادی استفاده شده است. محدوده مورد مطالعه شهرستان زاهدان و جامعه آماری گروه‌های عمده فعالیت اقتصادی در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ در سطح شهرستان و ایران می‌باشد. دلیل انتخاب این دو سال در این مطالعه این است که آخرین آمار مربوط به اشتغال به تفکیک گروه‌های عمده فعالیت و در سطح شهرستان زاهدان سال ۱۳۹۰ می‌باشد. در این مطالعه از روش ضرایب مکانی و تغییر سهم برای تحلیل مزیت اشتغال‌زایی فعالیت‌های مختلف در شهرستان زاهدان استفاده می‌شود. در این مطالعه برای بررسی مزیت فعالیت‌های مختلف در اقتصاد شهرستان از روش ضریب مکانی استفاده می‌شود. این روش برای شناسایی بخش مزیت‌دار و صادراتی در مناطق مختلف به کار می‌رود. در این روش بخش‌ها (فعالیت‌ها) در منطقه به دو قسمت، فعالیت‌های پایه‌ای (صادراتی) و فعالیت‌های غیرپایه‌ای (غیرصادراتی) تاکید دارد. رابطه ضریب مکانی در هر فعالیت به صورت رابطه (۱) می‌باشد.

$$LQ_i = \frac{e_i / \sum e_i}{E_i / \sum E_i} \quad (1)$$

در این رابطه e_i و E_i به ترتیب مقدار اشتغال در بخش i ام در منطقه و کشور می‌باشد. در صورتی که مقدار این شاخص بزرگتر از یک باشد به معنای این است که بخش مورد نظر جزء بخش‌های مزیت‌دار در اقتصاد منطقه می‌باشد. در غیر این صورت بخش موردنظر جزء بخش‌های غیرپایه در اقتصاد منطقه می‌باشد.

1 -Dogru and Turk

2 -Grossi & Mussini

مدل تغییر سهم، رشد اشتغال یک منطقه را ناشی از سه عامل رشد ناشی از رشد ملی، رشد ناشی از مزیت رقابتی و رشد ناشی از تغییر ساختاری در منطقه (تغییر ترکیب فعالیت‌های منطقه) تقسیم‌بندی می‌کند. رشد ناشی از رشد ملی در حقیقت رشد و یا رکودی است که تحت تأثیر رشد در کل کشور و با فرض ثابت بودن سایر عوامل نصیب فعالیت منطقه می‌شود. اگر اشتغال در کل کشور تغییر پیدا کند، انتظار می‌رود که اثرات مشابه مثبت یا منفی بر روی تغییرات اشتغال در منطقه بگذارد. رشد رقابتی، نشان‌دهنده رشد ناشی از ویژگی‌های رقابتی در منطقه یا استان مربوطه است. این ویژگی‌ها تحت تأثیر امتیازات خاص هر استان شامل خصوصیات جغرافیایی، منابع طبیعی می‌باشند. تغییرات رقابتی مربوط به کلیه عوامل در منطقه به غیر از عامل تجمع صنعتی است. این جزء به‌نحوی قدرت رقابتی بهتر و یا امتیازات مکانی بهتر یک منطقه را نسبت به سایر مناطق نشان می‌دهد (Sadeghi shahdani and ghaffary Fard, 2009). رشد ساختاری (ترکیب صنایع یا تجمع صنعتی)، اثر تغییر ساختار و تجمع صنایع هر استان یا شهرستان در زمینه شاخص مورد مطالعه در مقایسه با ترکیب صنایع در سطح کشور را نشان می‌دهد. هر استانی که تغییرات ساختاری اشتغال مثبت داشته باشد به معنی دارا بودن صنایع یا فعالیت‌های اقتصادی با رشد سریع در زمینه اشتغال است. اما اگر استانی دارای تغییرات ساختاری منفی باشد، دارای ترکیب صنایع نامطلوب با رشد کند است (Sobhani and Darvishi 2005).

بر این اساس تغییرات اشتغال در اقتصاد منطقه به سه عامل سهم ملی، تغییرات رقابتی و تغییرات ساختاری قابل تفکیک است. سهم ملی در تغییرات اشتغال منطقه بر اساس رابطه (۲) به‌دست می‌آید.

$$NS_i = e_i^{t-1} \left(\frac{E^t}{E^{t-1}} - 1 \right) \quad (2)$$

در این رابطه E^t و E^{t-1} به ترتیب مقدار کل اشتغال در سطح ملی در سال آغازین و سال پایانی می‌باشد. e_i^{t-1} نیز مقدار اشتغال در سطح منطقه در بخش (صنعت) i در سال آغازین است. سهم تغییر ساختار (ترکیب) فعالیت‌های منطقه در تغییرات اشتغال منطقه بر اساس رابطه (۳) حاصل می‌شود.

$$IMS_i = e_i^{t-1} \left(\frac{E_i^t}{E_i^{t-1}} - \frac{E^t}{E^{t-1}} \right) \quad (3)$$

در این رابطه E_i^t و E_i^{t-1} به ترتیب مقدار اشتغال در بخش (صنعت) i ام در سطح ملی در سال آغازین و پایانی می‌باشد. سهم تغییر مزیت رقابتی فعالیت‌های منطقه در تغییرات اشتغال منطقه بر اساس رابطه (۴) به دست می‌آید.

$$RS_i = e_i^{t-1} \left(\frac{e_i^t}{e_i^{t-1}} - \frac{E_i^t}{E_i^{t-1}} \right) \quad (4)$$

در این رابطه e_i^t و e_i^{t-1} به ترتیب مقدار اشتغال در بخش (صنعت) i ام در سطح منطقه در سال آغازین و پایانی می‌باشد. در این روابط، یک سهم رقابتی مثبت همراه با یک ترکیب صنعتی مثبت بیان‌کننده این مطلب است که یک مزیت نسبی بالقوه در رشد صنایع منطقه وجود دارد. یک سهم رقابتی منفی نشان می‌دهد که اقتصاد منطقه سهم خود را در یک بخش صنعتی مشخص نسبت به سایر مناطق از دست داده است.

نتایج تحقیق

نتایج حاصل از تخمین ضرایب مکانی در دو سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ در بخش‌های مختلف اقتصادی شهرستان زاهدان در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱: ضرایب مکانی بخش‌های مختلف اقتصاد شهرستان زاهدان

بخش‌های اقتصادی	ضرایب مکانی ۱۳۸۵	ضرایب مکانی ۱۳۹۰
کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری	۰/۳۹	۰/۳۳
معدن	۰/۳۴	۰/۴۵
صنعت	۰/۴۸	۰/۴۶
آب برق و گاز	۱/۳۱	۱/۵۸
ساختمان	۱/۴۳	۰/۹۶
عمده فروشی و خرده فروشی	۱/۲۳	۱/۰۴
هتل و رستوران	۰/۵۳	۰/۶۶
حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	۱/۶۲	۱/۶
بانک و واسطه‌گری‌های مالی	۱/۱	۱/۴۶
خدمات کسب و کار و مستغلات	۰/۴۵	۰/۷۱
اداره امور عمومی و دفاع	۱/۶۵	۲/۰۲
آموزش	۱/۲۵	۱/۹۲
بهداشت	۰/۹۵	۱/۵۲
سایر خدمات	۰/۸۷	۰/۹۱

منبع: محاسبات تحقیق

همان‌طور که اطلاعات جدول (۱) نشان می‌دهد، بیشترین ضرایب مکانی در شهرستان زاهدان در سال ۱۳۸۵ متعلق به سه بخش "اداره امور عمومی و دفاع"، حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات" و "ساختمان" می‌باشد. ضرایب مکانی این سه بخش به ترتیب برابر ۱/۶۵، ۱/۶۲ و ۱/۴۳ واحد می‌باشد. از سوی دیگر کمترین ضریب مکانی در این سال متعلق به بخش‌های "خدمات کسب و کار و مستغلات" با ضریب مکانی ۰/۴۵، "صنعت" با ضریب مکانی ۰/۴۸ واحد و "هتل و رستوران" با ضریب مکانی ۰/۵۳ واحد می‌باشد.

ستون آخر جدول (۱) شاخص ضریب مکانی بخش‌های مختلف اقتصاد شهرستان زاهدان را در سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد. سه بخش "اداره امور عمومی و دفاع"، آموزش" و حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات" به ترتیب بیشترین ضریب مکانی را به خود اختصاص داده‌اند. به عبارت دیگر این بخش‌ها، جزء بخش‌های مزیت‌دار در اقتصاد شهرستان زاهدان می‌باشد. از سوی دیگر بخش‌های صنعت، هتل و رستوران و خدمات کسب و کار و مستغلات کمترین ضرایب مکانی را در سال ۱۳۹۰ در شهرستان زاهدان داشته‌اند. مقایسه تغییرات ضرایب مکانی بخش‌ها در دو سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که بخش "امور عمومی و دفاع" و "حمل و نقل انبارداری و ارتباطات" در هر دو سال در شهرستان زاهدان جزء سه بخش مزیت‌دار در اقتصاد شهرستان بوده‌اند. همچنین بخش آموزش در سال ۱۳۸۵ دارای رتبه پنجم از نظر ضریب مکانی بوده است که در سال ۱۳۹۰ ضریب مکانی این بخش افزایش یافته و به رتبه دوم رسیده است.

جدول (۲) اثرات مزیت رقابتی، ساختاری و ملی را بر تغییرات اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصاد شهرستان زاهدان نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات جدول اثر سهم ملی در همه بخش‌ها منفی بوده و موجب کاهش اشتغال کل شهرستان زاهدان به میزان ۴۶۶۲ نفر شده است. بیشترین اثر منفی این عامل به ترتیب در سه بخش "ساختمان"، "عمده‌فروشی و خرده‌فروشی" و "حمل و نقل انبارداری و ارتباطات" بوده است. کاهش اشتغال این بخش‌ها در اثر این عامل به ترتیب برابر ۸۸۱ نفر، ۸۱۲ نفر و ۷۳۷ نفر بوده است. با توجه به این جدول تغییرات ساختاری موجب کاهش ۱۲۸۶ نفر در اشتغال کل شهرستان زاهدان در دوره مورد مطالعه شده است. اثر این عامل در ۹ بخش از ۱۴ بخش مورد مطالعه مثبت بوده و موجب افزایش اشتغال شهرستان شده است. بخش‌های "کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری"، "حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات" و "آب برق و گاز" به ترتیب بیشترین اثر مثبت را از تغییرات ساختاری داشته‌اند. این امر می‌تواند ناشی از به کارگیری شیوه‌های

کارآمد و یا تکنولوژی سازگار با شرایط محیطی در استان و شهرستان و در نتیجه افزایش فرصت‌های اشتغال در دوره مورد بررسی باشد. از سوی دیگر تغییرات ساختاری در بخش‌هایی مانند "عمده فروشی و خرده فروشی"، "صنعت" و "ساختمان" موجب کاهش شدید اشتغال شده است. نتایج مدل در ارتباط با اثر تغییرات رقابتی در بخش‌های مختلف نشان می‌دهد که این عامل در کل اقتصاد شهرستان موجب کاهش اشتغال به میزان ۳۹۶۳۸ نفر شده است. اثر این عامل تنها در سه بخش مثبت بوده و موجب افزایش اشتغال شده است. این سه بخش شامل "آموزش"، "بهداشت" و "خدمات کسب و کار و مستغلات" می‌باشد. افزایش اشتغال در این سه بخش در اثر تغییرات رقابتی به ترتیب برابر ۱۰۹۱ نفر، ۵۱۳ نفر و ۱۹۸ نفر می‌باشد. یکی از دلایل افزایش اشتغال در این بخش‌ها در اثر تغییرات رقابتی، افزایش شاخص ضریب مکانی در این بخش‌هاست. این امر نشان می‌دهد که قدرت رقابتی این بخش‌ها در دوره مورد مطالعه افزایش یافته است. از این رو مقدار اشتغال این بخش‌ها نیز در اثر تغییرات رقابتی افزایش یافته است. بررسی تغییرات شاخص ضریب مکانی در دو دوره ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ برای بخش آموزش نشان می‌دهد که مقدار این شاخص در سال ۱۳۸۵ برابر ۱/۲۵ واحد بوده که در سال ۱۳۹۰ به عدد ۱/۹۲ افزایش یافته است. همچنین شاخص مزیت در بخش بهداشت از ۰/۹۲ به ۱/۵۲ افزایش یافته است.

از سوی دیگر بخش‌هایی مانند "ساختمان"، "عمده‌فروشی و خرده‌فروشی" و "خدمات حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات" بیشترین اثر منفی را در اثر تغییرات رقابتی داشته‌اند. کاهش اشتغال این بخش‌ها در اثر تغییرات رقابتی به ترتیب برابر ۱۳۵۸۶ نفر، ۹۰۲۰ نفر و ۶۹۱۷ نفر می‌باشد. بررسی شاخص مزیت و ضریب مکانی در این بخش‌ها نشان می‌دهد که مقدار این شاخص در این بخش‌ها کاهش یافته است. به عبارت دیگر این بخش‌ها در طول زمان مزیت خود را از دست داده‌اند. به عنوان مثال شاخص ضریب مکانی در بخش ساختمان در سال ۱۳۸۵ برابر ۱/۴۳ واحد بوده است که در سال ۱۳۹۰ به ۰/۹۶ کاهش پیدا کرده است. همچنین در مورد بخش "عمده فروشی و خرده فروشی" نیز مقدار این شاخص از ۱/۲۳ واحد به ۱/۰۴ واحد کاهش پیدا کرده است.

جدول ۲: تغییرات اشتغال بر اساس الگوی انتقال سهم ۱۳۸۵-۱۳۹۰

بخش‌های اقتصادی	اثر ملی	اثر ساختاری	اثر رقابتی	کل اثر
کشاورزی	-۳۳۵	۹۵۲	-۴۵۰۷	-۳۸۹۰
معادن	-۱۲	۹۵	-۲۴	۵۹
صنعت	-۳۹۰	-۱۰۷۱	-۳۴۲۵	-۴۸۸۵
آب برق و گاز	-۶۹	۵۷۷	-۳۸۳	۱۲۵
ساختمان	-۸۸۱	-۷۸۵	-۱۳۵۸۶	-۱۵۲۵۱
عمده فروشی و خرده فروشی	-۸۱۲	-۱۹۴۵	-۹۰۲۰	-۱۱۷۷۷
هتل و رستوران	-۲۴	۱۰۳	-۱۰۰	-۲۱
حمل و نقل و ارتباطات	-۷۳۷	۸۲۹	-۶۹۱۷	-۶۸۲۵
بانک و واسطه‌گری مالی	-۷۰	۵۰۰	-۱۵۱	۲۷۹
خدمات کسب و کار	-۴۷	۲۰۴	۱۹۸	۳۵۵
اداره امور و و دفاع	-۶۸۶	-۳۹۸	-۲۶۲۵	-۳۷۰۹
آموزش	-۳۹۵	-۷۷۳	۱۰۹۱	-۷۷
بهداشت	-۱۱۶	۳۶۲	۵۱۳	۷۵۹
سایر خدمات	-۸۸	۶۵	-۷۰۴	-۷۲۸
مجموع	-۴۶۶۲	-۱۲۸۶	-۳۹۶۳۸	-۴۵۵۸۶

منبع: محاسبات تحقیق

تقسیم‌بندی فعالیت‌های مختلف اقتصاد شهرستان

از آنجا که یکی از اهداف مهم تحقیق حاضر شناسایی فعالیت‌هایی است که شهرستان از نظر اشتغال دارای مزیت می‌باشد لذا در این بخش از تحقیق فعالیت‌هایی که دارای مزیت می‌باشند، بر اساس الگوی تغییر سهم شناسایی می‌شوند. این نتایج به شرح زیر می‌باشد.

فعالیت‌های دارای اثر رقابتی مثبت و اثر ساختاری مثبت

در مورد فعالیت‌هایی که همزمان هم دارای سهم رقابتی مثبت در اشتغال و هم ترکیب بخشی (ساختاری) در اشتغال مثبت باشند، یک مزیت رقابتی بالقوه در اشتغال‌زایی این بخش‌ها در اقتصاد شهرستان وجود دارد که می‌تواند رشد بالقوه‌ای برای اشتغال در اقتصاد شهرستان باشد. در این حالت ترکیب بخشی در اقتصاد شهرستان به صورتی است که از مزیت رقابتی شهرستان حمایت می‌کند. در نتیجه می‌توان انتظار داشت که این بخش‌ها در آینده نقش بسیار مهمی در افزایش اشتغال در اقتصاد شهرستان داشته باشند. به

فعالیت‌هایی که دارای اثر ترکیبی و اثر رقابتی مثبت داشته باشند اصطلاحاً فعالیت‌های "برنده اقتصادی" گفته می‌شود. بر اساس اطلاعات جدول (۲)، تنها دو بخش از ۱۴ بخش مورد مطالعه شامل بخش "خدمات کسب و کار و مستغلات" و بخش "بهداشت" بخش برنده اقتصادی در اقتصاد شهرستان هستند.

فعالیت‌های دارای اثر رقابتی و ترکیب بخشی منفی

برخی فعالیت‌ها در اقتصاد شهرستان دارای اثر ترکیب بخشی و ساختاری منفی، و اثر رقابتی منفی می‌باشند. به این فعالیت‌ها در اصطلاح "بازنده اقتصادی" گویند. این گونه فعالیت‌ها در طی زمان سهم خود را از اشتغال شهرستان از دست خواهند داد مگر اینکه سیاست‌های مناسب منطقه‌ای در جهت بهبود ساختار بخشی و افزایش توان رقابتی اتخاذ شود. ۴ بخش از ۱۴ بخش مورد مطالعه شامل بخش‌های "صنعت"، "ساختمان"، "عمده فروشی و خرده فروشی"، امور عمومی و دفاع" بخش‌های بازنده اقتصادی از نظر اشتغال در اقتصاد شهرستان زاهدان می‌باشند.

فعالیت‌های دارای اثر رقابتی مثبت و ترکیب بخشی منفی

فعالیت‌هایی که دارای یک اثر منفی در ساختار بخشی به همراه یک اثر مثبت در سهم رقابتی هستند "برنده مختلط اقتصادی" نامیده می‌شوند. این فعالیت‌ها اگرچه از رشد ملی خوبی برخوردار نیستند ولی در اقتصاد شهرستان دارای مزیت رقابتی هستند. در صورت اتخاذ راهکارهای مدیریتی مناسب در این بخش‌ها، این بخش‌ها می‌تواند زمینه مناسبی برای رشد و توسعه در اقتصاد شهرستان باشند. بخش "آموزش" تنها بخش برنده مختلط اقتصادی در اقتصاد شهرستان زاهدان می‌باشد.

فعالیت‌های دارای اثر رقابتی منفی و ترکیب بخشی مثبت

به فعالیت‌هایی که دارای اثر رقابتی منفی و اثر ساختاری مثبت هستند، فعالیت‌های "بازنده مختلط اقتصادی" گفته می‌شود. اثر رقابتی منفی همراه با اثر ساختاری مثبت نشان‌دهنده این مسأله است که شهرستان در حال از دست دادن مزیت رقابتی خود در فعالیت‌هایی است که دارای پتانسیل بالقوه‌ای در ایجاد اشتغال در شهرستان در درازمدت داشته است. این امر ممکن است به دلیل عوامل متعددی همچون ضعف مدیریت و برنامه‌ریزی و اتخاذ سیاست‌های نامناسب در سطح شهرستان باشد. در مورد این محصولات باید سیاستگذاران و تصمیم‌گیران در سطح شهرستان بایستی استراتژی‌های مناسبی به منظور بهبود مزیت نسبی شهرستان در بخش‌های مورد نظر و بازیابی مجدد سهم رقابتی شهرستان

در این بخش‌ها ارائه کنند. هفت بخش از چهارده بخش مورد مطالعه شامل بخش‌های "کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری"، "معدن"، "آب برق و گاز"، "هتل و رستوران"، "حمل و نقل انبارداری و ارتباطات"، "بانک و واسطه‌گری‌های مالی"، و بخش "سایر خدمات" جزء بخش‌های بازنده اقتصادی در اقتصاد شهرستان زاهدان می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این مطالعه بررسی مزیت نسبی فعالیت‌های مختلف در اقتصاد شهرستان زاهدان و اثر آن بر اشتغال این شهرستان می‌باشد. نتایج مطالعه نشان داده است که فعالیت‌هایی از قبیل "عمده فروشی و خرده فروشی و تعمیرات وسایل نقلیه و موتوری"، حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات"، "بانک، بیمه و واسطه‌گری‌های مالی"، "اداره امور عمومی و دفاع" و "آموزش" در هر دو سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ دارای شاخص مزیت نسبی بالاتر از واحد هستند. به عبارت دیگر اقتصاد شهرستان زاهدان در این گونه فعالیت‌ها دارای مزیت نسبی هستند. از این رو پیشنهاد می‌شود که سیاستگذاران منطقه‌ای و بخصوص تصمیم‌گیران در سطح شهرستان بایستی سیاست‌های مناسبی را برای حفظ و تقویت مزیت نسبی در این گونه فعالیت‌ها را اتخاذ کنند. از سوی دیگر توجه ویژه‌ای به این بخش‌ها در جهت افزایش اشتغال در سطح شهرستان صورت گیرد. از سوی دیگر به دلیل اینکه علامت اثر رقابتی و ترکیب بخشی در فعالیت‌هایی مانند "خدمات کسب و کار و مستغلات" و "بهداشت" مثبت می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که باید به این گونه فعالیت‌ها در سطح شهرستان توجه خاصی صورت گیرد. زیرا این فعالیت‌ها دارای پتانسیل بالقوه‌ای برای افزایش اشتغال در شهرستان زاهدان را دارا می‌باشند. هر چند که از این پتانسیل به طور مناسبی استفاده نشده است.

بر اساس یافته‌های تحقیق، علامت اثر رقابتی و ترکیب بخشی برای فعالیت‌هایی مانند "صنعت" و "ساختمان"، "عمده فروشی و خرده فروشی" و "امور عمومی و دفاع" منفی می‌باشد. علیرغم منفی بودن این دو اثر برای این فعالیت‌ها منطقه در اشتغال در این فعالیت‌ها دارای مزیت می‌باشد. بنابراین بایستی راهکارهای مناسبی در خصوص افزایش اشتغال در این فعالیت‌ها اتخاذ گردد.

علیرغم اینکه ترکیب بخشی در فعالیت‌هایی مانند "کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری"، "معدن"، "آب برق و گاز"، "هتل و رستوران"، "حمل و نقل انبارداری و

ارتباطات"، "بانک و واسطه‌گری‌های مالی"، و بخش "سایر خدمات" مثبت می‌باشد، ولی به دلیل اثر رقابتی منفی، این فعالیت‌ها در شهرستان نسبت به کشور قابلیت رقابت ندارند و از مزیت نسبی برخوردار نمی‌باشند. در مورد این فعالیت‌ها لازم است تا برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران در سطح استان و شهرستان، استراتژی‌های جدیدی را به منظور بهبود مزیت نسبی شهرستان در این فعالیت‌ها و بازیابی مجدد سهم رقابتی منطقه و شهرستان ارائه کنند.

References

- 1-Córdoba, E., and Rebolledo, J. (2016). Productivity in Mexico: Trends, Drivers and Institutional Framework, *International Productivity Monitor*, No. 30, pp. 28-42.
- 2-Dogru, T., Turk, E. S., (2017). Engines of tourism's growth: An examination of efficacy of shift-share regression analysis in South Carolina, *Tourism Management* 58, 205-214.
- 3-Farhoodi, R., & Mohammadi, A. (2006). Analysis and prediction of employment status in Sanandaj city using the shift share and Gini coefficient, 38(55), 189-202. (In Persian)
- 4-Grossi, L., Mussini, M., (2018). A spatial shift-share decomposition of electricity consumption changes across Italian regions, *Energy Policy* 113, 278–293.
- 5-Hajineghad, A., Ghaderi, J., Khatami, S., & Younesi, GH. (2014). Status analysis, identification of relative advantage and formulation of a strategic plan for employment development using a shift share model, LQ and SWOT, *Majles and Rahbord*, 79, 5-36.(in Persian).
- 6-Hatami neghad, H., & Hosseini, S. H., (2013). Analysis and Prediction of Employment in Sabzevar Shift share Approach, *Geography*, 11(4), 99-122. (In Persian)
- 7-Layeghi, E., ghasemi, P., babaie, N., (2012). A Study of the Comparative Advantage of Agricultural Production and Employment in the Provinces of the Country, *Economic Journal*, 11, 83-110. (In Persian).
- 8-Mazhari, M., Rahmani, F., (2009). The survey by use of competitive advantage analysis of North Khorasan agricultural sector, *Journal of Economics and Agricultural Development*, 23(1), 21-27. (In Persian).
- 9-Mondal, W., (2009). An Analysis of the Industrial Development Potential of Malaysia: A Shift-Share Approach, *Journal of Business & Economics Research*, 7(5), 41-46.
- 10-Perez, R. P., & Villarreal, F., G., (2017). Structural change and productivity growth in Mexico, 1990-2014, *Structural Change and Economic Dynamics*, 41, 53-63.
- 11-Sadeghi Shahdanim M., Ghaffary Fard. M. (2009). A Review on Relative Advantage and Structure of Regional Growth Domestic Production in Provinces of Iran, 17 (50), 115-136.
- 12-Safaei, A., (2003). Dynamic urban economy, efficient urban management, *Monthly Journal of the Municipality*, 5(53), 18-21.

13-Sobhani, H., & Darvishi, B., (2005). Study of relative advantages and structural analysis of employment in Illam province, Journal of Economic Research, 70, 159-187.

14-Teymuri, I., Hakimi, H., (2016). The analysis of employment changes in the counties of East Azerbaijan; shift-share approach, spatial planning, 6(2), 1-22. (In Persian).

15-Zaccomer, G. P., (2006). Shift-Share Analysis with Spatial Structure: an Application to Italian Industrial Districts, Transition Studies Review, 13 (1), 213–227.